

یادداشت های پراکنده

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده کمال

بخش ششم

ای نرگس خواب رفته من حالا که نه وقت خواب ناز است
ای گل که به رنگ و بویت مادر از باغ بهشت بی نیاز است
پر پر شده ای و برگ برگت با باد اجل در اهتزاز است



تا گریه مادرت بیبینی چشم تو هنوز نیمه باز است
افسانه گریه های مادر چون زلف بلند تو دراز است
ای دسته گل مراد مادر
چه زود شدی به خاک پرپر

(محمد علی ریاضی)

مطالعه بالای تغییر یا تبدیل شدن جامعه پشتون:

۶ فبروری ۲۰۰۷

کار پیش رفت مطالعه محققین (مرکز مطالعه و ریسرچ بین المللی CERI) در این مورد به تعقیب یک مأموریت که در ماه دسامبر سال ۲۰۰۶ در پاکستان، و بعداً در افغانستان ادامه و به تاریخ ۱۴ جنوری ۲۰۰۷ ختم گردید.

یک مأموریت دیگر در افغانستان بعد از دهم فبروری ۲۰۰۷ پیش بینی شده است. از همین حالا نتایج ذیل قابل توجه می باشد. نتیجه این مطالعات، به دلیلی بسیار قابل ملاحظه می باشد که زمینه را برای انکشافات و اکمالات بعدی آماده می سازید.

۱ - پشتون های پاکستان

پشتون ها در پاکستان در مناطق قبائلی، بلوچستان، کوئته و کراچی جا گزین هستند، داخل شدن در مناطق قبائلی بسیار مشکل است، مخصوصاً در کوئته به دلیل بی امنیتی که در این مناطق حاکم است. و همچنان خطر متوجه اشخاصی که با آن ها ملاقات صورت بگیرد.

مناطق قبائلی آهسته آهسته از باشندگان خالی شده، در نظر اول به دلیل پروبلم اقتصادی و بعداً بی امنیتی باعث این بیجا شدن است.

مناطق قبائلی:

عمل کرد جامعه پشتون بالای مسؤولیت دسته جمعی قبیله به مقابل هر نوع مشکلات متکی می باشد. وقتی یک شخص سبب یک اشتباه و غلطی می شود تمام قبیله نتیجه آن را می پردازد.

دولت یگانه حربه ای که در اختیار دارد همانا فشار آوردن بالای قبیله شخص خلاف کار یا مقصر می باشد. پشتون ها در خواستی بازنگری در مورد تطبیق این مقررات و قانون را نمودند، که تطبیق آن می توانست در دیگر مناطق، غیر قبائلی نیز توسعه یابد، مگر این درخواست یا این پیشنهاد آنها توسط نمایندگان دولتی مورد توجه قرار نگرفت، مخصوصاً ملک هایی که شدید به فساد آغشته اند، تا به سال ۱۹۹۶، تاریخ مقدماتی رأی گیری عمومی در مناطق قبائلی.

نتیجه مستقیم این رأی گیری در صورتی که پشتون ها به ملاها رأی بدهند، در هنگام اولین رأی گیری، سبب از بین بردن قدرت ملک ها و انتقال آن به ملاها، و به این سبب از دست دادن مسؤولیت و قدرت ملک ها، و از بین رفتن مسؤولیت دسته جمعی قبیله می گردد.

گر چه پشتون ها در اجرای مسؤولیت های خود عرف اسلامی نداشتند و قبلاً سیاست و مذهب به صورت واضح جدا و مشخص بود.

مگر بعد از رسیدن طالب ها، و بعداً ملا ها که البته هر دو با هم ارتباط دارند، لاکن با وجود آن هم در این مناطق تعصب مذهبی وجود ندارد.

حزب جمعیت علما اسلامی (JUI) یک حزب مذهبی است که دارای یک اساس یا بنیاد بسیار محکم و قوی از سال ۱۹۴۷ در ولایت سرحدی شمال غرب بوده و دارای یک شبکه بسیار بزرگ مدارس دینی می باشد. جمعیت علمای اسلامی دارای یک نظام قراول می باشد که در یک برج یا قلعه بسیار مستحکم در ولایت سرحدی شمال غرب (NWFP) در نقطه شمالی ترین دیر موقعیت دارد.

دلیل اقتصادی پشتون ها را وادار به ترک مناطق شان نمود، زیرا دولت جهت انکشاف زیر بنا ها هیچ نوع اقدام نکرده، یک بر چهار قسمت اهالی بسیار غنی و سه بر چهار دیگر در غربت زندگی بسر می برند. و این پدیده باعث مهاجرت ها به طرف کراچی و ممالک خلیج فارس گردیده است.

انحراف جامعه پشتون در زمانی شروع شد که در سال های ۸۰ وقتی مقدار هنگفتی پول در مناطق قبائلی برای کمک به مجاهدین جهت شکست روس ها در افغانستان سرازیر شد.

تغییر جهت دادن پاکستان، امروز برای پشتون ها غیر قابل فهم است، زیرا امروز در مقابل دوست دیروز خود که یک بخش رزمندگان علیه شوروی بودند، در پهلوی امریکا قرار گرفته اند.

پشتون ها از عملیات نظامی در مناطق قبائلی توسط پاکستانی ها و امریکائی ها را، به نظر بد می بینند.

در مورد ملیت گرایی پشتون ها:

ملیت گرایی بر خواسته از یک جنبش، نهضت اصلاح گرای پشتون که بسیار نزدیک به حزب کنگره (Congrès) می باشند. آن ها موافق به تحریم (Boycott)، انتخابات جهت تقسیم و تجزیه هند بودند، زیرا سؤال خود مختاری منطقوی مورد بحث قرار نگرفته بود.

دو نوع موضع گیری پدیدار شد:

ملیت گراها در یک گروه عوامی نشنل پارتنی « Awami National Party » (ANP) جمع گردیدند، که استقلال طلب نبوده و یک پشتونستان احتمالی نخواسته، زیادتیر به شکل خود مختاری به داخل فیدراسیون پاکستانی ها می خواستند. و از طرف دیگر نمی خواستند که در داخل ولایت سرحدی

شمال غرب (NWFP) مدغم شوند، تنها می خواستند یک ولایت مکمل بوده تا بتوانند از تمام مزایای دولت مرکزی مستفید شوند، و عین حقوق دیگر ولایات را از نقطه نظر سیاسی، اجتماعی و انکشاف زیر بناها داشته باشند.

و هم هیچگاه مطالبه یا ادعای خلق نمودن یک سرزمین یا کشور برای هویت شان در موقعیتی بین افغانستان و پاکستان را نداشتند.

پشتون های کراچی:

در حقیقت در کراچی می توانیم از یک نوع ناسیونلیزم پشتون حرف بزنیم، که زیاد تر به یک اتحادیه محلی پشتون ها شباهت دارد، که این اتحادیه محلی از تمام پشتون ها نمایندگی نمی کند.

تمامی باشندگان کراچی پانزده ملیون، که از آن جمله دو تا سه ملیون آن را پشتون ها تشکیل می دهد.

در ماه می ۲۰۰۶ از یک لویه جرگه پشتون های کراچی حرف زده شد. یک عده زیاد پشتون ها مصروف کار ترانسپورت، و ساختمانی شهر هستند.

آن ها امکانات متوقف ساختن فعالیت های شهر را داشته، و می توانند این فلج شهر را تا وقتی که جواب مساعد به ادعا های شان داده نشود، ادامه دهند.

رای دهی خانم ها:

ملاها بر علیه رای دهی خانم ها نیستند، زیرا به مفاد شان تمام می شود، اما این مربوط به موقعیت می باشد. در بعضی مناطق مثل مالاکند (Malakand)، که مناطق چترال، دیر و سوات را در بر می گیرد، به طور مثال تمام احزاب جمعاً شخصیت های PESD سخنرانی دوگانه دارند:

- «به حیث کاندید PESD، من بسیار آزادیخواه هستم، از خانم ها دفاع می کنم».

- وقتی موضوع انتخابات در منطقه و ناحیه من در ملاکند باشد، پی در پی کاندید ها در یک جرگه در مورد اینکه خانم ها حق رای دهی را ندارند حرف زده می شود، شخصی که خانم خود را می گذارد که برود رای بدهد، متحمل اقدامات، از قبیل سوختاندن خانه های شان می گردند.....

طبق معمول در شهر ها خانم ها رای می دهند: در دهات و قریه جات به صورت پراکنده رای می دهند. در پشاور خانم ها رای می دهند، در کراچی در مناطق پشتون نشین، و در باجور، نیز خانم ها رای می دهند.

تأثیر رادیو و رسانه ها :

تأثیر رادیو بسیار مهم است، زیرا در قریه جات اخبار نمی خوانند، و تلویزیون کم تر وجود دارد، با وجودیکه انتن های ستلایت در نقاط غیر قابل تصور دیده می شود.

رادیو همیشه یک عنصر بسیار مهم در فامیل ها می باشد، مخصوصاً که انتخاب ستیشن ها فراوان و متنوع است، اگر تأثیر آن آنقدر مهم نمی بود، البته موجودیت آن نیز آنقدر مورد علاقه قرار نمی گرفت.

هر ملا از خود یک ستیشن رادیو دارد که توسط آن برای انتشار پیام های خود استفاده می کند، که اکثر اوقات دلالت می کند به بدگویی ملای مسجد طرف مقابل، به طور مثال در خیبر بد گوئی، بین یک ملای دیوبندی (Deobandi) در مخالفت همراي یک ملای بارلوی (Barelvi) از چندین ماه به این سو باعث جنگ بین طرفداران شان گردیده و سبب ده ها کشته شده است.

خیبر تلویزیون، بسیار زیاد بیننده دارد زیاد تر بینندگان آن را نسبت به اهالی مناطق قبائیلی، بینندگان ممالک خلیج فارس تشکیل می دهد.

ما شاهد افزایش سرسام آور چینل های شخصی بودیم، رسانه های نو در حالت گسترش اند، طور مثال چینل دان (Dawn) که در ماه می نشرات خود را شروع می کند و به همین ترتیب چهل چینل در حالت آماده شدن استند، تمام این چینل ها به زبان محل کار خواهند کرد.

دکان های فروش D.V.D و C.D نیز در مناطق قبائیلی وجود دارد، تنها یک تعداد محدود آن ها کار شان رو به افزایش است به دلیل عرضه به بازار از تولیدات هندی. مگر بر علاوه این فعالیت، دیگر فعالیت ها نیز پر رونق می باشد.

ادامه دارد.